

## تمدن هند باستان

وقتی درباره هنر و تمدن هند باستان صحبت می شود منظور سرزمین وسیعی است که شامل هندوستان، پاکستان، نپال، بوتان، بنگلادش، سریلانکا و بخشی از افغانستان می شود. هنر و تمدن در هند باستان را به طور خلاصه به سه دوره تقسیم می کنند

الف) دوره پیش از آریایی ها

ب) دوره آریاییان

ج) دوره اسلامی

نخستین تمدن عمده هند (پیش از آمدن آریاییان) در حوالی شمالی رود سند و در هزاره سوم پیش از میلاد، در مکان هایی موسوم به موهنجودارو، هاراپاف لوتال، جهانپو دارو ظهور یافت.

از مراکز باستانی هند مهره های چهارگوش سفالینه های منقوش، اشیا مفرغی و مجسمه های کوچک سفالی و سنگی بدست آمده است و در این آثار، از مراکز باستانی هند تاثیرات هنر بین النهرین آشکار است.

از ویژگی های شهرهای باستانی هند از جمله موهنجودارو، وجود نقشه شهرسازی، سیستم فاضلاب شهری، خانه های ۲ تا ۳ طبقه با حیاط مرکزی، خیابان ها و کوچه های منظم و عمود بر هم، حمام، انبارغله و حصار اطراف شهر را می توان ذکر کرد.

اگرچه آریاییان حدود ۱۵۰۰ ق.م بر شبه قاره هند مسلط شدند، ولی تمدن آریایی از حدود قرن ۵-۶ ق.م شکل گرفت.

در طی سده ششم ق.م دو آیین عمده در هندوستان شکل گرفت. یکی آیین بودا که از سده سوم ق.م تا سده ششم میلادی بر هنر و فرهنگ هندی تاثیر عمیق گذاشت و دیگری آیین برهمن که علیرغم نیافتن درجه نفوذ آیین اولی تا امروز به حیات خود ادامه داده است.

ستون ها و سرستون های بدست آمده از عهد حکومت امپراتور آشوکا (قرن سوم ق.م) ارزنده ترین آثار هنری بر جای مانده از عهد حضور آریاییان در هند است.

امپراتور آشوکا(از سلسله مائوری ها) آیین بودا را به رسمیت شناخت و هنر بودایی هند از همین زمان شکل گرفت در ستون هاو سرستون های بر جای مانده از عهد آشوکا که جنبه نمادین دارند، تاثیرات هنر هخامنشی و یونانی به چشم می خورد.

مهمترین بناهای معماری بودایی هند استوپاها هستند.

استوپا معبدی گنبدی شکل و توپر است که عمدتاً محل حفظ بقایای(خاکستر) قدیسین بودایی بود. استوپا گنبدی استوار بر پایه گرد یا چهارگوش بود که بر قله آن یک فضای مربع شکل محصور وجود داشت و یک دکل بلند در وسط آن برافراشته بود دور ساختمان را ۴ دروازه احاطه می کرد. استوپا بنایی مذهبی و نموداری کیهانی بود.



استوپای سانچی، معروفترین استوپای آجری هند

در استوپاها مجسمه بودا وجود نداشت ولی حضور نمادین او با سریر خالی درخت مقدس، چرخ اشراق و صحنه‌هایی از زندگی گذشته او مورد تاکید قرار می‌گرفت.

آیین هندویی (برهمایی) از آیین‌های کهن هندی است که از حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ ق.م شکل گرفت.

مهمترین اصل اساسی آیین هندو، اعتقاد به سه رب النوع است.

برهمن (برهما) خالق جهان

ویشنو؛ خدای نیکی، سازندگی و محافظت کائنات

شیوا؛ خدای تخریب و نابودی

در معابد هندو عموماً به پرستش دو رب النوع ویشنو و شیوا و تجلیات آنها پرداخته می‌شد.

در میانخدایان سه‌گانه، برهما در تجلیات هنری کمتر به چشم می‌خورد، حوزه حضور او فقط در خلق و آفرینش خلاصه می‌شود.

درون معابد هندی مملو از نقش برجسته، نقاشی و پیکره‌های خدایان و جانوران اساطیری است؛ به طوری که معمولاً فضای اندکی خالی می‌ماند.

از قرن چهارم میلادی حکومت مقتدری به نام گوپتا سراسر شبه قاره هند را زیر فرمان گرفت. دوران حکومت گوپتا را عصر طلایی فرهنگ و هنر هند شمرده‌اند.

شاخص‌ترین آثار هنری عصر گوپتا را در دیوارنگاره‌های آجانتا می‌توان سراغ گرفت.

یقیناً حرکات و سکنات شمایل‌های مختلف و فراوان نگاره‌های آجانتا بازتابی از رقص و نمایش مذهبی هند است و جنبه آیینی و نمادین دارد.

موضوع و محتوای تصاویر غارهای مذکور اگرچه با جهان ملکوتی ارتباط دارد، اما نسبت به دنیای نفسانی نیز اغماض نشده است.

یکی از ویژگی های هنر هند و از جمله نقاشی پرستشگاه ها و تصاویر کتاب ها، نمایش دنیوی اعتقادات معنوی است.

منابع مهم ادبی و اساطیری هند که الهام بخش هنرمندان بوده اند، عبارتند از وداها؛ (از کهن ترین آثار ادبی جهان). مهابهاراتا؛ (درباره جنگ های باستانی موجود در سنن اساطیر هند) رامایانا؛ (حماسه ای و دلاوری های رام قهرمان اساطیری هند)